

نقش برداشت‌های ناصواب یا سواستفاده از آموزه‌های قرآنی در خشونت خانوادگی

علی محمدی جورکویه*

چکیده

خشونت در خانواده پدیده‌ای اجتماعی است که امروزه تمامی جوامع به شدت از آن رنج می‌برند. به طوری که این پدیده در ابعاد مختلف جسمی، روحی، جنسی و مالی، خود به یکی از دغدغه‌های مهم کشورها و سازمان‌های بین‌المللی تبدیل گشته است. برای انتخاب سیاست و راهکارهای مناسب جهت مبارزه با این پدیده باید بررسی کرد چه عواملی در بروز این پدیده فراگیر نقش ایفا می‌کنند. مطالعات نشان می‌دهد که عوامل مختلفی اعم از فردی و اجتماعی در به وجود آمدن خشونت در خانواده مؤثر است. در این نوشتار با استفاده از روش کتابخانه‌ای و میدانی به لحاظ گردآوری داده‌ها و روش نقلی و تجربی به لحاظ ماهیت روش، مشخص گردید که از جمله عوامل اجتماعی مؤثر در بروز خشونت در خانواده، برداشت‌های ناصواب یا سواستفاده‌هایی است که از گزاره‌ها و آموزه‌های قرآنی درباره قوامیت مرد بر زن، جواز ضرب زوجه به هنگام نشوز و تعدد زوجات صورت می‌گیرد. در حالی که عاری شدن خانواده از خشونت به عنوان یکی از غایات آموزه‌های اسلامی شمرده می‌شود.

واژگان کلیدی: خشونت، خانواده، قوامیت، ضرب زوجه، تعدد زوجات

خشونت امری است که امنیت افراد جامعه اعم از امنیت جسمی، روانی و... را هدف می‌گیرد. یکی از مسائلی که بیش از نیم قرن است که نگاه جامعه جهانی را به خود معطوف ساخته خشونت، بویژه خشونت در خانواده است. چنان که جامعه جهانی در اواخر نیمه نخست قرن بیستم برای مواجهه جدی و اساسی با این مشکل اقدام به ارائه تعریفی از خشونت در خانواده کرده است و در پی آن جامعه سلامت جهانی (WHA)^۱ اولویت درمان خشونت برای رسیدن به سلامت در جامعه را اعلام کرد و از اعضای سازمان ملل مبارزه با خشونت بر ضد زنان و کودکان را درخواست نمود و متعاقب آن گروه ضربت سازمان بهداشت جهانی (WHO)^۲ در امور خشونت و سلامت، اولویت چهارگانه خود را در این راستا به شرح زیر اعلام داشت:

۱. تعریف و مشخص سازی انواع گوناگون خشونت و ارزیابی نتایج آن؛
۲. فهمیدن دلایل خشونت و شناخت عوامل خطرزا در رفتارهای پرخطرانه؛
۳. شناخت بهترین روش کاربردی و بررسی تأثیر مداخلات در جلوگیری از خشونت؛
۴. تقویت ظرفیت سامانه‌های اجتماعی مربوط به سلامت برای بالا بردن آگاهی انسان‌ها و اجرای برنامه‌هایی برای کاهش خشونت در جامعه؛ به‌ویژه خشونت نسبت به زنان و کودکان. (کوپرووتر، ۱۳۹۲، ص ۲۴ و ۲۵)

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در سال ۱۳۸۷ اعلام کرد که میزان شیوع خشونت خانگی علیه زنان در یک بررسی سراسری انجام شده در ایران حدود ۶۵٪ بوده است. (صدیق سروستانی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۰) بنا به نظر برخی در مصاحبه با زنانی که به مراکز مشاوره‌ی بهزیستی در تهران مراجعه می‌کردند، مشخص شد که فقط در خانواده یک سوم از زنان، کتک خوردن وجود نداشته است. اما بقیه به کرات شرایط زندگی خانوادگی را بد و مشاجرات خانوادگی را جزئی از زندگی روزمره عنوان کردند و آغاز خشونت نسبت به حدود یک چهارم زنان از همان شب اول ازدواج بود (شهبلا اعزازی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۶) و براساس گزارش رییس وقت اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی،

1 . World Health Assembly .

2 . The World Health Organization.

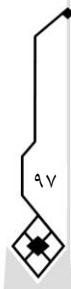
نتیجه رصد آسیب‌ها نشان می‌دهد که خشونت خانگی سومین آسیب اجتماعی کشور است. (خشونت خانگی در ایران؛ از آمار و ارقام تا روش‌های مداخله و پیشگیری، سایت تابناک، کد خبر: ۳۷۰۰۳۱، ۱۸ دی ۱۳۹۲)

خشونت ابعاد مختلفی دارد و با توجه به وصف اضافی که برای آن آورده می‌شود به انواع مختلف تقسیم می‌شود. از قبیل خشونت جسمی (بدنی)، خشونت جنسی، خشونت روانی، خشونت اقتصادی و گاه نیز خشونت وصف قرار می‌گیرد. مانند رفتار خشن، گفتار خشن، جرایم خشن یا خشونت بار و

درباره وضعیت وقوع انواع خشونت‌ها در خانواده‌های ایرانی، براساس یک مطالعه کیفی که با استفاده از مصاحبه با ۳۰ نفر از زنان مراجعه کننده به مرکز مشاوره شهرستان آمل صورت گرفته است، خشونت روانی با ۸۷ درصد و خشونت جسمی با ۵۷ درصد به ترتیب در رتبه اول و دوم قرار دارند. (ر. ک: یزدخواستی و شیرینی، زمستان ۱۳۸۷، ص ۶۳ و ۶۵)

خشونت در خانواده، پدیده‌ای بسان دیگر پدیده‌های اجتماعی است و از این رو، در وقوع آن عوامل متعدد و گوناگونی ممکن است نقش داشته باشد که برخی از این‌ها نقش مقتضی عامل به معنی دقیق کلمه را دارا هستند، برخی نیز نقش شرایط و اوضاع و احوال را دارند که زمینه را مهیا می‌سازند و برخی هم در جایگاه عدم مانع رخ می‌نمایند که در مجموع به وقوع پدیده اجتماعی می‌انجامند. از این رو، می‌بینیم گاه با وجود مقتضی، خشونت رخ نمی‌دهد، زیرا زمینه برای آن مهیا نبوده یا مانع وجود داشته است. بنا بر این، وقتی از امری به عنوان عامل خشونت در خانواده گفتگو می‌کنیم به این معنا نیست که حتما در پی وجود آن عامل، خشونت اتفاق می‌افتد، بلکه منظور این است که وجود آن عامل احتمال وقوع خشونت را افزایش می‌دهد و در صورت وجود سایر اجزای علت تامه، خشونت رخ خواهد داد. برای مثال، وقتی که از ازدواج اجباری به عنوان یک عامل خشونت در خانواده نام می‌بریم، ممکن است در یک خانواده‌ای که ازدواج در آن به اجبار صورت گرفته است، زوجین با فراگیری روش تعامل سازنده یا کوتاه آمدن از برخی خواسته‌های شخصی و یا ... راه تأثیرگذاری این عامل را سد نمایند.

یک گروه از عوامل اجتماعی مؤثر در خشونت خانوادگی، عوامل فرهنگی است. در





بین این عوامل فرهنگی، برداشت ناصواب از آموزه‌های قرآنی یا سوءاستفاده از آن می‌تواند حایز اهمیت بسیار باشد. قرآن به عنوان یکی از منابع اصلی و اساسی آموزه‌های اسلامی نقش زیادی در تنظیم روابط انسان‌ها در جامعه، به ویژه روابط اعضای خانواده در درون خانواده، از جمله روابط زوجین دارد. از این رو، برداشت نادرست از گزاره‌های قرآنی یا سوءاستفاده از آموزه‌های قرآنی در تنظیم روابط بین اعضای خانواده، از جمله روابط زوجین با یکدیگر می‌تواند نقشی مؤثر در خشونت خانوادگی داشته باشد.

درباره هر یک از آموزه‌های قرآنی از قبیل قوامیت مرد، اجازه ضرب زوجه و چند همسری بحث‌های فراوانی در تفاسیر، متون فقهی، کتب و مقالات مستقل از زوایای گوناگون مانند جواز، شرایط و ... صورت گرفته است؛ لیکن تاکنون سوءاستفاده از این آموزه‌ها در بروز خشونت در خانواده از نگاه جرم‌شناسی با استفاده از تحقیقات میدانی مورد مطالعه قرار نگرفته است.

نوشتار حاضر با رویکردی جرم‌شناختی اسلامی و بهره‌گیری از اسناد دینی به روش تحلیل محتوا و تفسیر متن و استفاده از یافته‌های تجربی به روش بررسی و تحلیل داده‌ها در پی بررسی نقش برداشت‌ها یا سوءاستفاده‌ها از آموزه‌های قرآنی در بروز خشونت در خانواده به ویژه بر ضد زنان است.

۱. جرایم خشونت بار در خانواده^۱

خشونت در لغت یعنی درشتی و زبری، غلظت و سخت رویی و سختی و تندى و تیزی، غضب و خشم، حقارت و اهانت در مقابل لینت که به معنی نرمی، سهلی و سادگی می‌باشد. (دهخدا؛ لغتنامه؛ ذیل واژه «خشونت»)

در تعریف اصطلاحی خشونت در خانواده، تعاریف مختلفی از سوی سازمان‌های بین‌المللی^۲ و افراد صاحب نظر^۱ مطرح شده است که برخی از این تعاریف هر رفتار

۱. خشونت خانگی (Domestic Violence)

۲. هیأت وزیران اروپا در تعریف خشونت می‌گوید:

خلاف هنجاری را شامل می‌شود. لیکن به نظر می‌رسد هر نوع رفتار خلاف هنجاری را نمی‌توان خشونت نامید؛ زیرا این به معنی لوث کردن موضوع خشونت در خانواده و به شوخی گرفتن امر مبارزه با خشونت در خانواده است و سبب می‌شود موارد خشونت واقعی در میان انبوه رفتارهای ناپسند، آن‌گونه که باید مورد توجه قرار نگیرد. بر همین اساس، می‌توان گفت یکی از اشکالات اساسی طرح ملی "بررسی خشونت خانگی علیه زنان در ۲۸ استان" این است که اموری چون "بهانه‌گیری‌های پی‌درپی"، "قهر و صحبت نکردن شوهر با همسر و خودداری از ارائه بحث در مورد مسائل فی‌مابین"، "منت نهادن مداوم از بابت تأمین معاش و عهده‌داری زندگی و سرکوفت‌های روانی پی‌درپی"، "ممانعت از کارایی و اشتغال در بیرون خانه و یا ادامه اشتغال" به طور مطلق و لوکاری که با حیثیت خانوادگی یا حقوق شوهر در تعارض باشد^۲، "ایجاد مداوم احساس درماندگی" و... را از مصادیق خشونت برشمرده و در نظر سنجی خشونت دخالت داده است. (ر. ک: نتایج طرح ملی «بررسی خشونت خانگی علیه زنان در ۲۸ استان» اعلام شد: www.isna.ir ۱۸ مهر ۱۳۸۳، کد خبر: ۰۷۰۲۴ - ۸۳۰۷، ص ۱) در حالی که اکثر این‌ها امور خلاف اخلاق و ناپسند هستند اما آمیخته به خصیصه خشونت نیستند. لذا در تعریفی گویا و کوتاه از خشونت می‌توان گفت:

خشونت رفتار تند و سختی است که تَوّام با آزار و صدمات جسمی یا آسیب جدی شخصیتی و یا روحی و روانی باشد.

هر رفتاری یا کوتاهی در انجام رفتاری که در قالب خانواده توسط یکی از اعضا رخ دهد و شور زندگی، موجودیت و تمامیت روان شناختی یا آزادی عضو دیگر همان خانواده را تضعیف کند یا رشد شخصیت او را به طور جدی مختل سازد. (کوپر و وتر، ۱۳۹۲، ص ۲۴)

۱. خشونت، رفتاری است که برای آسیب رساندن به دیگری از کسی سر می‌زند و دامنه آن از تحقیر و توهین، تجاوز، ضرب و جرح تا تخریب اموال و دارایی و قتل گسترده است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۳) و شایع‌ترین نوع آن خشونت خانوادگی است که در محیط خصوصی به وقوع می‌پیوندد و چون میان افرادی رخ می‌دهد که به سبب صمیمیت، ارتباط خونی یا قانونی به یکدیگر پیوند خورده‌اند، جرم وابسته به جنسیت خاص محسوب می‌گردد که مردان به زنان روا می‌دارند. در واقع از رفتار جنس غالب در جامعه نشات می‌گیرد. (صدیق سروستانی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۰)

۲. در حالی که ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی مقرر داشته است: شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند.



البته بر اساس نظریه ارتباط (Communication) از آنجایی که بافت اجتماعی به رفتارها معنا می‌بخشد، یک رفتار می‌تواند در یک بافت اجتماعی بدرفتاری و خشونت آمیز تلقی گردد و در بافت اجتماعی دیگر، به هنجار و عادی محسوب شود. به عنوان مثال بیان کلمات با عصبانیت و طعنه می‌تواند در یک زمینه اجتماعی معین، نوعی تهدید و حمله قلمداد شود و در یک رابطه سالم، روشی برای نشان دادن ناامیدی و دلسردی باشد. (همپتون، توماس پی، گالوت و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۲۹ و ۱۳۰)

جرم نیز در علم جرم‌شناسی به هر رفتاری گفته می‌شود که خلاف هنجار عمومی جامعه باشد، خواه در مقررات کیفری جرم‌انگاری شده باشد یا جرم‌انگاری نشده باشد و بر همین اساس، جرایم خشونت بار خانوادگی یا جرایم خشونت بار در خانواده عبارت است از: رفتار ممنوع دارای مجازاتی که توسط عضوی از خانواده نسبت به عضوی دیگر اتفاق می‌افتد و یا حداقل برخلاف رفتار به معروف و به نوعی آمیخته به خشونت باشد؛ مانند قتل، ضرب و جرح یا اذیت و آزار شدید روحی که در مقابل آن جرایم خانوادگی غیرخشن مانند ترک انفاق یا رعایت نکردن ادب و احترام وجود دارد. زیرا موارد اخیر اگرچه به لحاظ این که رفتاری مخالف نرم و هنجار جامعه است مشمول تعریف علم جرم‌شناسی از جرم می‌شود، لیکن جرایم خشونت بار بر آن صدق نمی‌کند.

براین اساس، این جرایم منحصر در امور جسمی مانند ضرب، جرح و قتل نیست بلکه می‌تواند آسیب‌های جدی روحی - روانی نیز باشد مانند حبس جهت منع از دیدار با بستگان یا تهدید به برخی صدمات.

۲. برداشت نادرست یا سوء استفاده از موضوع قوامیت

از مباحث بسیار مهم در خانواده، مدیریت خانواده است. در موضوع مدیریت خانواده سه صورت قابل تصویر است؛ مدیریت مرد بر خانواده، مدیریت زن بر خانواده و مدیریت اشتراکی زن و مرد بر خانواده که نظام حقوقی اسلام به جهت مصالحی - که این جا مجال سخن گفتن از آن نیست^۱ - صورت نخست را پذیرفته و در این باره مقرر

۱. ر. ک: محمود حکمت‌نیا، حقوق زن و خانواده، ص ۱۵۹ و ۱۶۰ و فرج‌الله هدایت‌نیا، نشوز زوجین در فقه و نظام حقوقی ایران، ص ۱۵۴-۱۵۶.

داشته است: "الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ". (نساء / ۳۴) مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، بخاطر برتری‌هایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است، و بخاطر انفاق‌هایی که از اموالشان (در مورد زنان) می‌کنند.

نسبت به مفهوم قوام دو دیدگاه بین فقها و مفسران وجود دارد؛ بنا بر یک دیدگاه مراد از قوامیت مرد بر زن در خانواده، ولایت، سلطنت، صاحب‌اختیاری و مسخر بودن مرد بر زن است و براساس دیدگاه دیگر، مراد مدیریت و سرپرستی مرد نسبت به زن است (ر.ک: هدایت‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۱۵۱ و ۱۵۲). براساس دیدگاه دوم قوامیت شوهر، مسئولیت او نسبت به زن و خانواده است و او باید این مسئولیت را در خانواده براساس مقررات اسلامی اعمال کند. لذا برخی از مفسران در این باره تذکر داده‌اند که "اشتباه نشود منظور از این تعبیر استبداد و اجحاف و تعدی نیست، بلکه منظور رهبری واحد منظم با توجه به مسئولیت‌ها و مشورت‌های لازم است." (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۷۰) که مقررات مدنی ایران نیز همین دیدگاه را پذیرفت و در ماده ۱۱۰۵ ق. م. مقرر داشته است: در روابط زوجین ریاست خانواده از خصایص شوهر است.

ریاست بر خانواده در واقع مسئولیتی سنگین بر دوش شوهر و پدر است. او باید با برنامه‌ریزی و تدبیر و تلاش خستگی‌ناپذیری که انجام می‌دهد خانواده و یکایک اعضای آن را به سوی هدف ترسیم شده برای آن در آموزه‌های اسلامی رهنمون گردد. ریاست خانواده وظیفه‌ای است به منظور فراهم سازی محیطی امن، آرام و شاداب جهت نیل اعضای آن به کمال انسانی، نه ابزاری برای رفتارهای غیرمسئولانه، از روی هوی و هوس، به دور از منطق و زورگویی بر اعضای خانواده از جمله همسر. ابو حمزه ثمالی از امام باقر (ع) روایت می‌کند: وقتی مرگ پدرم امام سجاد (ع) فرا رسید، مرا به سینه خود فشرد و فرمود: پسر! تو را به چیزی سفارش می‌کنم که پدرم (ع) هنگام وفات مرا و پدر پدرم (ع) او را به آن سفارش کرد:

قَالَ: يَا بَنِي، إِيَّاكَ وَظُلْمَ مَنْ لَا يَجِدُ عَلَيْكَ نَاصِرًا إِلَّا اللَّهَ. (الكليني، ۱۴۰۷ ق.، ج ۴، ص ۲۵)

فرمود: پسر! برحذر باش از ستم به کسی که جز خدا بر تو یاری کننده‌ای ندارد. بطور قطع ستم بر همسر و فرزندان از مصادیق ستم بر کسانی است که جز خداوند





یاوری ندارند. زیرا ستم در محیط خانواده از اموری است که غالباً از دید دیگران پوشیده می‌ماند و امکان اثبات آن بسیار سخت است یا افراد تحت ستم براساس ملاحظاتی که دارند حاضر به علنی کردن آن و دادخواهی از آن در محاکم قضایی نیستند. لذا کسی که ریاست خانواده به او سپرده شده است حق ندارد از این اختیار خود برای روا داشتن ستم بر همسر و فرزندان سواستفاده نماید؛ بلکه باید پاسخگوی رفتار خود و دیگر اعضای خانواده باشد و اینکه چه برنامه و تلاشی را برای تأمین معاش و هدایت آن‌ها در راستای هنجارپذیری و رعایت ارزش‌های اسلامی انجام داده است. حتی براساس دیدگاه نخست درباره مراد از قوامیت که گفته‌اند: وهی تدلّ علی أن للرجال الولاية علی النساء. (موسوی گلپایگانی، ۱۴۲۶ ق، ج ۱، ص ۴۶) و آیه دلالت می‌کند بر این‌که برای مردان بر زنان ولایت است؛ منظور ولایت بی حد و مقررات و جواز ستم بر زنان نیست؛ بلکه ولایت در چارچوب مقررات اسلامی است.

لیکن وجود حق ریاست بر خانواده برای مردان در کنار داشتن قدرت بدنی برتر، این امکان را برایشان ایجاد کرده است که از موقعیت و قدرت در جهت اعمال خشونت علیه همسر و تحت فشار قرار دادن و تضییع حقوق او سواستفاده نمایند. بویژه اگر با برداشت‌های نادرست از آیه مذکور و حق ریاست نیز همراه باشد. در این صورت به جای احساس مسئولیت در مقابل اعضای خانواده و تلاش در جهت تدبیر امور آنان و رفع مشکلاتشان، به سلطه بی حد و حصر، خودخواهی، تن‌پروری، خوشگذرانی و ایجاد رعب و وحشت بین اعضای خانواده برای اطاعت‌پذیری از وی روی می‌آورند، حتی آنان را از حق مسلم خود نیز محروم می‌کنند. نگاهی به طرز فکر موجود در گفتگوی مردانی که در خانواده مرتکب خشونت می‌شوند عمق سواستفاده و فاجعه را نشان می‌دهد. (ر. ک: کار، ۱۳۸۱، ص ۳۳۸) این نوع طرز تفکر یا به درستی معنای ریاست بر خانواده را نفهمیده است یا از موقعیتی که شرع و قانون برای ریاست به مرد داده است سوءاستفاده می‌کند.

۳. برداشت نادرست یا سوءاستفاده از اجازه‌ی ضرب زوجه

یکی از محورهای مهم احکام خانواده در اسلام، وظایف زوجین در برابر یکدیگر است.

در این راستا یکی از وظایف زوجه در برابر زوج، تمکین است (ر. ک: محقق حلی، ۱۴۰۸، ۵.ق.، ج ۲، ص ۲۷۸؛ علامه حلی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۳۳ و ...) که ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی از آن تحت عنوان وظایف زوجیت زن سخن گفته است. چنانچه زوجه از این وظیفه خود در برابر شوهر سرپیچی کند، در اصطلاح فقهی و حقوقی به این رفتار او نشوز اطلاق می‌شود که آثاری به دنبال دارد. قرآن کریم درباره چگونگی مواجهه شوهر با سرپیچی همسر از وظایفش می‌فرماید:

"وَالَّذِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاصْرَبُوهُنَّ" (نساء: ۳۴)

و آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید، پند و اندرز دهید! (و اگر مؤثر واقع نشد،) در بستر از آنها دوری نمایید! (و اگر هیچ راهی جز شدت عمل، برای وادار کردن آنها به انجام وظایفشان نبود،) آنها را تنبیه کنید!

یکی از آموزه‌های قرآنی که برداشت نادرست یا سوءاستفاده از آن موجب خشونت بر ضد زنان در خانواده می‌شود، عبارت "واضربوهن" در آیه فوق است.

درباره این آیه به چند نکته باید توجه کرد:

نخست این که در آیه مذکور سخن از نشوز زوجه است و آن بنا بر یک نظریه فقهی عبارت است از عدم اطاعت زوجه از زوج در تمکین خاص (حق استمتاع) بدون این که عذری داشته باشد. لذا مواردی مانند عدم انجام امور خانه و یا دیگر اموری که بر زوجه واجب نمی‌باشد، حتی خروج از منزل بدون اذن شوهر در صورت عدم منافات با حق استمتاع شوهر نشوز محسوب نمی‌شود و نمی‌تواند مشمول این آیه قرار بگیرد (ر. ک: شهید ثانی، ۱۴۱۰ ق.، ج ۵، ص ۴۲۷ و ۴۲۸؛ الطباطبایی، ۱۴۱۸ ق.، ج ۱۲، ص ۹۱ و الموسوی الخویی، ج ۲۰، ص ۱۰۱) و بنا بر نظریه دیگر فقهی، نشوز عبارت است از خروج زوجه از اطاعت زوج در تمکین عام که حتی خروج از منزل بدون اذن زوج را در بر می‌گیرد و لو این که با حق استمتاع زوج منافاتی نداشته باشد (ر. ک: علامه حلی، ج ۳، ص ۵۸۷؛ نجفی، ج ۳۱، ص ۱۴۷ و ...). لیکن صاحبان هر دو نظریه اتفاق دارند و تصریح کرده‌اند که انجام امور خانه از قبیل شستشو و پخت و پز و مانند آن از وظایف زوجه نمی‌باشد و اگر زوجه داوطلبانه آن‌ها را انجام دهد عملی نیکو و بسیار مطلوب، موجب همدلی، احساس یگانگی و گرمی کانون خانواده است؛ اما اگر همسر این امور را انجام ندهد، زوج

نمی‌تواند او را الزام به آن کند. (العکبری (شیخ مفید)، ۱۴۱۴، ق، ص ۴۲ و. ر. ک: البحرانی (المحقق البحرانی)، بی‌تا، ج ۲۵، ص ۱۲۵ و ...).

دوم این که برخورد زوج با زوجه در مورد نشوز به معنای مذکور، دارای درجات و مراتبی چون موعظه، دوری گزیدن در بسترو در مرتبه نهایی ضرب می‌باشد که رعایت این مراتب الزامی است. (ر. ک: الطباطبائی، ۱۴۱۷، ق، ج ۴، ص ۳۴۵) لذا از دیدگاه فقیهان زدن بدون اقدام به دو گزینه پیشین جایز نمی‌باشد و گفته‌اند: وقتی نشوز واقع شود، شوهر همسرا موعظه می‌کند و اگر موعظه مؤثر واقع نشد از او دوری می‌گزیند و چنانچه این هم تأثیر نگذاشت مجاز به زدن است. (الموسوی الگلپایگانی، ۱۴۱۳، ق، ج ۲، ص ۳۶۷ و. ر. ک: الموسوی الخمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۰۵ و ۳۰۶؛ الحسینی السیستانی، ۱۴۱۶، ق، ج ۳، ص ۱۰۷ و ...)

سوم این که زدن زوجه نیز زدن مصطلح نیست، لذا زدن نباید به گونه‌ای باشد که صدمه‌ای به زن وارد نماید و یا حتی موجب کمترین اثر مانند تغییر رنگ پوست گردد. همچنین، فقها گفته‌اند: اولاً، وقتی در مقابله با نشوز، نوبت به زدن رسید، زدن مجاز است به شرط آن که امید برود با این اقدام، زوجه به اطاعت زوج برگردد و نشوز را ترک نماید. ثانیاً، در این اقدام به کمترین میزانی که با آن احتمال تأثیر می‌رود اکتفا می‌شود و اضافه بر آن مجاز نیست و در صورت عدم تأثیر تشدید می‌گردد. ثالثاً، به شرط آن که منجر به خون‌ریزی یا سیاه شدن یا قرمز شدن بدن نشود و باید به قصد اصلاح باشد نه تشفی و انتقام و اگر زدن موجب صدمه گردد، زوج مسئول و قابل مجازات است. (الحسینی السیستانی، ۱۴۱۶، ق، ج ۳، ص ۱۰۷ و. ر. ک: الموسوی الخمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۰۵ و ۳۰۶؛ الموسوی الگلپایگانی، ۱۴۱۳، ق، ج ۲، ص ۳۶۷ و ...). پس در موردی که زوج مجاز به زدن است، زدن نباید به گونه‌ای باشد که اثری بر جسم زوجه باقی بگذارد. زیرا در غیر این صورت مجازات دارد و اگر چنین زدن مجاز بود قابل مجازات نبود. چنان‌که در روایت از امام باقر - علیه السلام - آمده است، مراد از ضرب، زدن ملایمی با چوب مسواک و مانند آن است (القمی (الشیخ الصدوق)، ۱۴۰۴، ق، ج ۳، ص ۵۲۱) که این زدن به معنای زدن مصطلح و عرفی نیست؛ بلکه نوعی اعلام اعتراض به دوست و شریک زندگی است تا او با تحریک شدن عواطفش، به انجام وظیفه خود اقدام نماید.

حتی برخی از فقیهان تصریح کرده‌اند که اگر این اقدامات نتیجه نداد، زوج حق ندارد زوجه را به امور غیرمجاز تهدید کند یا گوش او را بیچکاند یا مویش را بکشد و یا او را حبس نماید، بلکه می‌تواند نزد حاکم شکایت کند تا از این طریق او را ملزم به انجام وظیفه نماید و اگر نیاز به تعزیر زوجه باشد تعزیر باید به دستور حاکم صورت گیرد. (الحسینی السیستانی، ۱۴۱۶ ق.، ج ۳، ص ۱۰۷)

به این ترتیب، در این آیه اصلا زدن به مفهوم مصطلح مطرح و مجاز نیست و منظور از ضرب در آن، یک نوع برخورد احساسی و عاطفی برای بازگشت زوجه به انجام وظیفه زناشویی است. لذا امام خمینی؛ در پاسخ به استفتایی به صراحت، به عدم جواز زدن زوجه نظر می‌دهند.^۱

اما سوء استفاده از آیه شریفه یکی از عوامل خشونت بر ضد زنان در خانواده است؛ اقدام به خشونت نسبت به همسر نه تنها در مورد عدم تمکین خاص، بلکه در صورت عدم رضایت از او در تمامی امور زندگی حتی فراتر از تمکین عام. به عنوان مثال اقدام به ضرب و جرح همسر در صورت عدم انجام نظافت منزل برابر میل شوهر، عدم انجام امور پخت و پز منزل بر اساس خواسته شوهر، عدم همراهی با شوهر در برخی رفت و آمدها و ... یعنی اموری که حتی در حوزه مفهومی تمکین عام نیز جای نمی‌گیرد. بنابراین، آنچه که امروزه برخی از مردان مسلمان به استناد اجازه اسلام، همسر خود را مورد ضرب و جرح قرار می‌دهند، سنخیتی با آموزه‌های این دین ندارد و صرف برداشت نادرست یا سواستفاده از این آموزه‌هاست. در سخنی از پیامبر بزرگوار اسلام - که درود و سلام خدا بر او و خاندانش باد - آمده است:

... إِنَّ مِنْ شَرِّ رِجَالِكُمْ ... الضَّارِبِ أَهْلَهُ ... (الحر العاملی، ۱۴۰۹ ق.، ج ۲۰، ص ۳۴)

همانا بدترین مردان جامعه کسانی هستند که همسر خود را کتک می‌زنند.

حتی برخی نیز این آیه را اصلاً مربوط به نشوز به معنی امتناع از تمکین خاص

۱. سؤال: "آیا پدر خانواده می‌تواند همسر و بچه‌هایش را که مرتکب خلافهای جزئی و کلی - دینی، اجتماعی، خانوادگی - می‌شوند تنبیه نماید؟ اگر به هیچ وجه نتواند آنان را تنبیه نماید، ترک و یا طرد آنان جایز است یا نه؟" جواب: "قطع رحم جایز نیست و تنبیه اولاد به مقداری که موجب دیده نشود و متعارف باشد مانع ندارد، ولی زدن زن جایز نیست." (موسوی خمینی، استفتائات، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۲۳۴)



نمی‌دانند، بلکه به قرینه "حافظاتٌ للغیب" و نیز روایاتی که در تفسیر در ذیل این آیه آمده است آن را مربوط به عدم رعایت عفاف می‌دانند که خوف لغزیدن در فساد جنسی می‌باشد. (ر. ک: هدایت نیا، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ص ۷-۳۴)

۴. برداشت نادرست یا سوء استفاده از چند همسری

یکی از نهادهای بسیار مورد اهتمام در نظام حقوقی اسلام، نهاد ازدواج است که ضامن بقای نسل و رعایت عفت و پاکدامنی در جامعه انسانی است. قرآن کریم در راستای این تشریح فرموده است:

"فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَ ثُلَاثَ وَ رُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَى أَلَّا تَعُولُوا" (نساء: ۳) با زنان پاک ازدواج نمائید، دو یا سه یا چهار همسرو اگر می‌تسید عدالت را (در باره همسران متعدد) رعایت نکنید، تنها یک همسر بگیرید، و یا از زنانی که مالک آنهاست استفاده کنید، این کار، از ظلم و ستم بهتر جلوگیری می‌کند. آیه شریفه صدر و ذیلی و به دیگری بیان، حکم و شرطی دارد؛ اما برخی از مسلمانان به مستمسک قرار دادن بخشی از آیه شریفه که اجازه تعدد زوجات را می‌دهد و با رها کردن بخشی دیگر از آیه که قید و شرط این اجازه را بیان می‌کند و نیز رها کردن دیگر شرایط و مقرراتی که در این باره وضع شده است، اقدام به ازدواج با همسر دوم، سوم و چهارم می‌کنند و حقوق برخی از آنها را تضییع می‌نمایند.

این برداشت نادرست یا سوء استفاده از آیه شریفه یکی از عوامل خشونت در خانواده است. توضیح این که فردی که نمی‌تواند هزینه یک همسر را تأمین نماید یا بدون این که حقوق همسر اول را رعایت کند اقدام به ازدواج با همسر دوم یا سوم می‌نماید یا نسبت به یکی از همسران و فرزندان او بی‌توجهی می‌کند و امورشان را رها می‌سازد.^۱ طبیعی است

۱. چرا اینجا (پزشکی قانونی) آمدی؟

شوهرم بعد از هشت ماه که من و دخترم را که مریض هم هست به حال خود رها کرده بود، دیشب مثل بلای آسمانی نازل شد و با مشت و لگد به جانم افتاد که صاحبخانه به فریادم رسید.

برای چه کتکتان زد؟

سه سال پیش با هم ازدواج کردیم. دو سال پیش دخترمان که به دنیا آمد، بنای ناسازگاری گذاشت و مرتباً می‌گفت زنی که دختر به دنیا بیاورید، به درد نمی‌خورد. البته مادرش هم محرک قضیه بود. بالأخره بعد از یک سال مادرش

که این رفتار در بسیاری از موارد منجر به خشونت بین شوهر و همسر اول یا همسر دوم و فرزندانشان می‌شود. (ر. ک: شاهد قتل مادر، روزنامه همشهری، سال اول، شماره ۷۹، ۱۳۷۷/۸/۱۷، ص ۶)

وقایع و پرونده‌ها نشان می‌دهند که چنانچه شرایط لازم برای تعدد زوجات رعایت نشود و اشخاص بخواهند به صرف تجویز صدر آیه شریفه اقدام به ازدواج مجدد نمایند، چقدر کینه، نفرت و خشم در بین همسران و فرزندان آنها بوجود می‌آید که می‌تواند منجر به درگیری و خشونت گردد. در حالی که، طبق آیه شریفه دستور داده است حتی در صورت خوف از عدم اجرای عدالت به یک همسر بسنده کنید. مفسر بزرگ شیعه در تفسیر این آیه می‌نویسد: خداوند اکتفا به یک همسر را معلق کرده است بر ترس از عدم رعایت عدالت نه علم به آن. زیرا علم در این امور - به جهت دخالت آشکار نفس در آن برای وارونه جلوه دادن امر - به طور غالب حاصل نمی‌شود و در نتیجه، مصلحت از دست می‌رود. (الطباطبایی، ۱۴۱۷ ق.، ج ۴، ص ۱۶۸)

در ادامه آیه می‌فرماید: ذَلِكْ أَذْنٰی اَلَّا تَعُوْلُوْا.

"ذَلِكْ" اشاره است به ازدواج با یک زن، با ترس از بی عدالتی در صورت ازدواج با چند زن و از این عباس و حسن و قتاده نقل شده است که "أَذْنٰی اَلَّا تَعُوْلُوْا" یعنی به عدالت و ترک ستم نزدیکتر است. (الطبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۲۰) بنابراین معنی عبارت فوق چنین می‌شود؛ اگر می‌ترسید در صورت ازدواج با چند زن مرتکب بی عدالتی شوید، ازدواج با یک زن به عدالت و ترک ستم نزدیکتر است. لذا اگر این شرط رعایت گردد یا تعدد زوجات اتفاق نمی‌افتد و یا اگر واقع شود بعید به نظر می‌رسد که زمینه‌ساز خشونت در خانواده گردد.

لیکن برخی در مواجهه با این آیه، برخورد تبعیض گونه دارند. تبعیض به این معنی که نسبت به بخش نخست آیه که به نفعشان می‌پندارند، اشتیاق نشان می‌دهند و نسبت به بخش دیگر آن بی توجه هستند؛ لذا تلقی درستی از این دستور اسلام پیدا نمی‌کنند و

یک زن دیگری برایش گرفت و آقا هم ما را ول کرد و رفت. من هم برای گذراندن زندگی مجبور شدم مهریه‌ام را به اجرا بگذارم و یک چهارم حقوقش را توقیف کنم. وقتی فهمیده چکار کردم به سراغم آمد و این بلارا به سرم آورد. (چرا اینجا پزشکی قانونی) آمدی؟ (مهرانگیز کار، ۱۳۸۱، تهران، ص ۴۳۱)



طبیعی است که نه تنها نتیجه مطلوب از آن گرفته نمی‌شود، بلکه آسیب‌زا نیز خواهد بود و خشونت در خانواده را به دنبال خواهد داشت. براساس برخی تحقیقات، تعدد زوجات در افزایش میزان زن‌آزاری مؤثر بوده و مردانی که دارای همسران متعدد هستند، بیشتر اقدام به زن‌آزاری می‌نمایند. (نازپرور و دانش پرور، مهر و آبان ۱۳۷۶، ص ۵۵) در تحقیقی که روی حجم نمونه ۱۱۲۱ نفر که در سال ۱۳۸۹ به دلیل همسرآزاری به پزشکی قانونی استان زنجان مراجعه کردند، صورت گرفت، از نظر تعدد زوجات، در ۶۲۴ مورد، معادل ۵۵/۷ درصد تک همسری و در ۸۴ مورد، معادل ۷/۵ درصد بیش از یک همسر و در ۴۱۳ مورد، معادل ۳۶/۸ درصد وضعیت نامعلوم بوده است. (وثوق و فروزش، زمستان ۱۳۹۱ و بهار ۱۳۹۲، ص ۱۹۶) همچنین، در تحقیق میدانی دیگری که با استفاده از پرسشنامه نسبت به افراد مراجعه کننده به مرکز مداخله در بحران فردی و اجتماعی شهرستان قم طی شش ماه (اردیبهشت تا آبان ۱۳۹۶) انجام شده است، ۱۶ نفر از افراد مراجعه کننده نسبت به ارائه پاسخ پرسشنامه اقدام کردند که در دو مورد از ۱۶ مورد، معادل ۱۲/۵ درصد از خشونت شوهر نسبت به همسر، شوهر دارای همسر دوم بوده است.

درباره همسر دوم داشتن مرتکب خشونت

| همسر دوم | فراوانی | درصد | درصد قانونی | درصد تجمعی |
|----------|---------|-------|-------------|------------|
| دارد | ۲ | ۱۲/۵۰ | ۱۲/۵۰ | ۱۲/۵۰ |
| ندارد | ۱۴ | ۸۷/۵۰ | ۸۷/۵۰ | ۱۰۰/۰ |
| جمع | ۱۶ | ۱۰۰/۰ | ۱۰۰/۰ | |

گفتنی است اگرچه در تحقیق میدانی نخست، تنها ۷/۵ درصد بیش از یک همسر داشته‌اند و این آمار نسبت به ۵۵/۷ درصد دارای تک همسر قابل توجه نیست یا در تحقیق میدانی دوم، ۱۲/۵ درصد بیش از یک همسر داشته‌اند؛ اما در این راستا باید به دو نکته توجه داشت؛ اول این که این درصدها را باید با توجه به نسبت خانواده‌های چند همسری با خانواده‌های تک همسری در کل خانواده‌های ایران لحاظ کرد. برابر برخی آمارها در سال ۱۳۷۵ نرخ چند همسری در جامعه ایران ۰/۶۶ درصد بوده است و این نرخ

در سال ۱۳۸۳ به کمتر از نیم درصد کاهش یافته است. (رضارمضان نرگسی، بهار ۱۳۸۴، ص ۱۶۵) لذا با توجه به نیم درصد نرخ چند همسری در ایران، وجود نرخ ۷/۵ یا ۱۲/۵ درصدی خشونت علیه زنان در خانواده‌های چند همسری، بیان‌گر نقش مؤثر و بالایی این عامل در بروز خشونت علیه زنان در خانواده است و نکته دوم این که ۳۶/۸ درصد حجم نمونه در تحقیق میدانی نخست وضعیت خود را از جهت تک همسری و چند همسری بیان نکرده‌اند و با توجه به فرهنگ ایرانی در این زمینه که اصرار بر پوشیده ماندن این قبیل امور دارند، بعید نیست در بیشتر این موارد چند همسری وجود داشته باشد.

نتیجه

علی‌رغم این که آموزه‌های قرآن کریم درباره قوامیت مرد در خانواده، نشوز زوجه و تعدد زوجات، تدابیری جهت مدیریت خانواده، مواجهه عاطفی با وضعیت نشوز زوجه، کنترل نیاز جنسی زنان و مردان و در نهایت پیشگیری از جرم می باشد؛ لیکن برداشت سلطه، زورمداری، زورگویی و مطلق‌العنانی از قوامیت یا تن‌پروری، خودخواهی و زیاده‌خواهی در سایه قوامیت مرد در خانواده، می‌تواند عامل خشونت نسبت به همسر و فرزندان گردد؛ برداشت ناصواب یا سوء استفاده از آموزه قرآنی درباره چگونگی مواجهه با نشوز زوجه می‌تواند هم به لحاظ حوزه نشوز و هم به لحاظ عمق برخورد، منجر به خشونت بر ضد زنان در خانواده گردد و برداشت حقی بدون قید و شرط از اجازه تعدد زوجات یا سوء استفاده از این حق می‌تواند خشونت نسبت به همسر و فرزندان را به دنبال داشته باشد. از این رو، ضمن دقت لازم در برداشت از گزاره‌های قرآنی و تفسیر آن و توجه به پیامدهای برداشت و تفسیر، باید با تنظیم ضوابط و مقرراتی راه سوء استفاده از این آموزه‌ها را سد کرد.



منابع

۱. قرآن
۲. اعزازی، شهلا، خشونت خانوادگی، زنان کتک خورده»، بی چا، بی جا، نشر سالی، ۱۳۸۰.
۳. البحرانی، یوسف (المحقق البحرانی)، الحدائق الناضرة، بی چا، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا.
۴. الحر العاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعة؛ چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ ق.
۵. الحسینی السیستانی، السید علی، منهاج الصالحین، چاپ اول، قم، مکتب آیه الله السیستانی، ۱۴۱۶ ق.
۶. حکمت نیا، حقوق زن و خانواده، چاپ اول، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۹۰.
۷. الحلی (علامه حلی)، حسن بن یوسف، إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۰ ه ق.
۸. الحلی (علامه حلی)، حسن بن یوسف، تحریر الاحکام، چاپ اول، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۲۰ ق.
۹. الحلی (محقق حلی)، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، مؤسسه اسماعیلیان، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ه ق.
۱۰. خشونت خانگی در ایران؛ از آمار و ارقام تا روش های مداخله و پیشگیری، سایت تابناک، کد خبر: ۳۷۰۰۳۱، تاریخ انتشار: ۱۸ دی ۱۳۹۲.
۱۱. دهخدا، علی اکبر؛ لغتنامه؛ چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۱۲. رمضان نرگسی، رضا، بازتاب چند همسری در جامعه، کتاب زنان، شماره ۲۷، بهار ۱۳۸۴.
۱۳. شاهد قتل مادر، روزنامه همشهری، سال اول، شماره ۷۹، ۱۳۷۷/۸/۱۷.
۱۴. شمس اسفندآباد، حسن و امامی پور، سوزان، بررسی میزان همسرآزاری و عوامل مؤثر بر آن، فصلنامه پژوهش زنان، بهار ۱۳۸۲، شماره ۵.
۱۵. صدیق سروستانی رحمت الله، آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات اجتماعی)، چاپ اول، تهران، نشر سمت، ۱۳۸۶.

۱۶. الطباطبائی، السيد محمد حسين، الميزان، چاپ اول، بيروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۷ ق.

۱۷. الطباطبائی، السيد علی، رياض المسائل، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۸ ق.

۱۸. الطبرسی، فضل بن حسن، مجمع البيان فی تفسير القرآن، چاپ سوم، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲.

۱۹. العاملی (شهيد ثانی)، زين الدين بن علی، الروضة البهيه فی شرح اللمعه الدمشقيه، چاپ اول، قم، کتابفروشی داروی، ۱۴۱۰ ق.

۲۰. العکبری (شيخ مفيد)، محمد بن محمد، احکام النساء، بيروت، دارالمفيد، ۱۴۱۴ ق.
۲۱. القمی (شيخ صدوق)، محمد بن علی بن الحسين بن بابويه، کتاب من لا يحضره الفقيه، چاپ دوم، قم، جماعة المدرسين، ۱۴۰۴ ق.

۲۲. کار، مهرانگیز، پژوهشی درباره خشونت علیه زنان در ایران، چاپ سوم، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۱.

۲۳. الكلینی، محمد بن یعقوب؛ الأصول من الکافی؛ چاپ دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.

۲۴. کوپر، جان ووتر، آرلن، خشونت و امنیت در خانواده، ترجمه کیوان سپانلو و منیره شهباز، چاپ اول، تهران، نشر پنجره، ۱۳۹۲.

۲۵. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ چاپ اول، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴.
۲۶. الموسوی الخمينی، السيد روح الله، تحرير الوسيلة، دارالکتب العلمیه اسماعيليان، قم.

۲۷. موسوی خمینی، سيد روح الله، استفتائات، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۱.

۲۸. الموسوی گلپایگانی، السيد محمد رضا، هداية العباد، چاپ اول، قم، دار القرآن الکریم، ۱۴۱۳ ق.

۲۹. الموسوی گلپایگانی، السيد محمد رضا. محرر علی حسینی میلانی، القضاء و الشهادات (گلپایگانی)، قم - ایران، السيد علی حسینی میلانی، ۱۴۲۶ ق.

۳۰. نازپور، بشیر و دانش پرور، حمیدرضا، گزارش یک مورد ضرب و شتم زن، منجر به قتل توسط همسر، مجله علمی پزشکی قانونی، سال سوم، شماره دوازدهم، مهر و آبان ۱۳۷۶.



۳۱. نتایج طرح ملی «بررسی خشونت خانگی علیه زنان در ۲۸ استان» اعلام شد:، <http://www.isna.ir>، شنبه ۱۸ مهر ۱۳۸۳، کد خبر: ۰۷۰۲۴ - ۸۳۰۷.
۳۲. النجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.
۳۳. وثوق، مریم و فروزش، مهدی، بررسی دموگرافیک قربانیان همسرآزاری مراجعه کننده به پزشکی قانونی استان زنجان در سال ۱۳۸۹، مجله علمی پزشکی قانونی، شماره ۶۷، زمستان ۱۳۹۱ و بهار ۱۳۹۲.
۳۴. هدایت‌نیا، فرج‌الله، نشوز زوجین در فقه و نظظام حقوق ایران، چاپ اول، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۹۶.
۳۵. هدایت‌نیا، فرج‌اله، نگاهی نوبه تفسیر نشوز زوجه، قرآن، فقه و حقوق اسلامی، سال دوم، شماره ۴، بهار و تابستان ۱۳۹۴.
۳۶. همپتون، رابرت ال، گالوت، توماس پی و همکاران، خشونت خانواده و پیشگیری و درمان، ترجمه داود کربلائی محمد میگونی، مقاله آزار مردانه، ادوارد دبلیو. گاندالف.، چاپ اول، تهران، آفرینش، ۱۳۸۸.
۳۷. یزدخواستی، بهجت و شیرینی، حامد، ارزش‌های پدرسالاری و خشونت علیه زنان، مطالعات زنان، سال ۶، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۷.

